

بررسی نقش سرمایه اجتماعی خانواده بر میزان جرائم و بزهکاری کودکان و نوجوانان (مطالعه موردی شهر اردبیل)

مژگان مشفق^۱، احمد جهانی^۲، عظیم حبیب‌زاده^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۵/۱۷

صفحه: ۳۵-۵۷

چکیده

پدیده جهانی بزهکاری کودکان و نوجوانان در تمام کشورها، با هر سطحی از پیشرفت، مشهور است علاوه بر رشد و نمودهای بیش‌ازپیش بزهکاری کودکان و نوجوانان، با تجدید حیاتی بی‌سابقه همراه است. عوامل این تجدید حیات بزهکاری کودکان، به نظر می‌رسد در فروپاشی ساختار خانواده‌ها و فشار فوق‌العاده شدید جریان طرد اجتماعی که بسیاری از نوجوانان درگیر آن هستند قرار داشته باشد. در برخورد با چنین انحرافی که دادگاه کودکان را زیر سؤال قرار می‌دهد، باید دو درخواست برآورده شود. ابتدا اولویت تربیتی مستلزم سازگاری گسترده واکنش‌های تربیتی است. سپس به‌منظور فراهم کردن این فرصت برای مجازات کیفری که تمام بازدهی خود را به دنبال داشته باشد بجاست (نگهداری در زندان) را از آن مجازات حذف کنیم در میان فجایعی که جوامع کنونی را از درون تحلیل می‌برند، بزهکاری کودکان و نوجوانان از جمله عذاب‌آورترین آنهاست. رشد و نمودهای متنوع آن مبارزه‌طلبی پایداری را برای متولیان دفاع از اجتماع به وجود آورده است هدف از مطالعه حاضر بررسی نقش سرمایه اجتماعی خانواده بر جرائم و بزهکاری کودکان و نوجوانان است. این مطالعه از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ روش، توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه کودکان و نوجوانان بزهکار در کانون اصلاح و تربیت و همچنین کودکان و نوجوانان عادی شهر اردبیل و برای

^۱. عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، رشته حقوق.

^۲. نویسنده مسئول: کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، مدرس دانشگاه پیام نور اردبیل،

ایمیل: Ahmad.jahani2010@yahoo.com، تلفن: ۰۹۳۵۲۴۲۴۶۶۰.

^۳. رئیس دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان اردبیل.

تعیین حجم نمونه نیز با استفاده از جدول مورگان تعداد ۲۰۰ نفر به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای از کودکان و نوجوانان عادی و ۶۰ نفر نیز به روش در دسترس از کودکان و نوجوانان بزهکار در کانون اصلاح و تربیت انتخاب شدند و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و از پرسشنامه استاندارد سرمایه اجتماعی که برگرفته از نظریه قوشال و ناهاپیت است و متشکل از ۱۷ سؤال و پرسشنامه محقق ساخته ۴۰ سؤالی بزهکاری و نقش خانواده با طیف لیکرت استفاده شده است در این پژوهش برای استخراج اطلاعات و تجزیه و تحلیل آن‌ها از نرم‌افزار SPSS و از آزمون‌های پارامتریک پی‌رسون و رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. نتایج این مطالعه نشان داد که ابعاد سرمایه اجتماعی (بعد ساختاری، بعد شناختی و بعد شناختی) بر میزان جرائم و بزهکاری کودکان و نوجوانان تأثیر مثبت و معناداری دارد.

کلید واژه‌ها: سرمایه اجتماعی، خانواده، جرائم و بزهکاری کودکان و نوجوانان.

مقدمه و بیان مسئله

تعریف بزه و رفتار بزهکارانه در هر جامعه‌ای توسط قوانین حقوقی و هنجارهای اجتماعی آن جامعه مشخص می‌شود. باید اذعان داشت که قرن‌هاست رفتارهای قتل، دزدی، تخریب، نزاع، کلاه‌برداری، تجاوز، آتش‌افروزی و... به‌عنوان رفتار بزهکارانه پذیرفته شده است و همه جوامع برای آن تعریف مشخصی دارند. تنها تفاوت مشهود، نوع و میزان تنبیهی است که بر اساس قوانین حقوقی آن جامعه تعیین می‌شود. البته بزه را بر اساس ارزش‌ها و تعیین ارزش‌ها یا برحسب زمان و مکان تعریف می‌شود. با رویکردهای مختلف به موضوع بزهکاری و تعریف حقوق معلوم می‌گردد که بزه از دیدگاه حقوقی، جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی متفاوت است. «تراویس هیرشی» معتقد است بزهکاری وقتی اتفاق می‌افتد که قیود فرد نسبت به اجتماع ضعیف شوند یا به‌طور کلی از بین بروند (معظمی، ۱۳۹۰).

در ادوار مختلف زندگی بشر با اینکه عده‌ای از اطفال و نوجوانان از رعایت آداب و رسوم و اجرای قوانین و مقررات سرپیچی نموده یا مرتکب جرم می‌شدند، اما بزهکاری اطفال از مسائل حاد اجتماعی نبوده است. در قرن معاصر، ازدیاد بزهکاری اطفال و نوجوانان مخصوصاً ارتکاب جرائم توأم با خشونت و قساوت یکی از معضلات اجتماعی محسوب می‌شود. ارتکاب جرائم توسط اطفال یک پدیده اجتماعی است که در هر زمان و مکان اتفاق می‌افتد؛ بنابراین مسئولیت کیفری اطفال از مباحث مهم حقوق کیفری است. این موضوع در نظام حقوق کیفری ایران با چالش‌ها و افت‌وخیزهای درخور توجهی همراه بوده است و در سیر تاریخی قوانین، تحولات متعددی را در قبل و بعد از انقلاب سپری کرده است (شاملو، ۱۳۹۰).

رویکرد جامعه‌شناختی بزه عمدتاً بر نظریات دورکیم استوار است. اگرچه این نظریات عمدتاً پیچیده هستند اما تأثیر آن‌ها در جرم‌شناسی، غیرقابل انکار است. بر اساس این نظریات «جرم پدیده طبیعی است و از فرهنگ، تمدن و فضاهاى هر اجتماعى ناشى مى‌شود». سیر تکاملی فرهنگ‌ها باعث می‌شود مفهوم بزه، نوع و کیفیت آن نیز دگرگون شود و تجدّد گرایى نیز در این میان نقش مهمی پیدا کند به همین علت این رویکرد در تعریف بزه به هنجارهای اجتماعی توجه می‌کند و عملی را جرم می‌داند که برخلاف هنجارهای جامعه باشد و احساسات و وجدان گروهی یا جمعی را متأثر کند (شاسبیاتی، ۱۳۸۹).

جامعه‌شناسی، بزهکاری کودکان و نوجوانان را نوعی ناسازگاری اجتماعی می‌داند که از افراد در سنین پایین سر می‌زند. به‌طور کلی بزهکاری رفتاری است برخلاف اخلاق جامعه که در نهایت به زیان جامعه است، بزهکاری رفتارهایی است که کودکان و نوجوانان عاملان آن‌ها هستند و از منظر جامعه‌شناختی با عاملانی که همان نوع رفتار را در سنین بالا انجام می‌دهند تفاوت دارند. در صورتی که نوع رفتار آن‌ها یکی است و هر دو از نظر حقوقی رفتاری نابهنجار شناخته شده‌اند و اصولاً عاملان چنین رفتاری تشبیه می‌شوند. کودکان و نوجوانان، از نظر رفتاری و جامعه‌پذیری در مراحل فراگیری هستند و جامعه موظف است که در مورد رفتار نابهنجار این گروه بردباری نشان دهد و با ابزار و وسایل ملایم‌تری به آموزش و جامعه‌پذیری آن‌ها اقدام کند (نیاز پور، ۱۳۸۹).

در جریان زندگی، جامعه‌پذیری در روابط پیچیده نهادهایی همچون خانواده، مدرسه و محله صورت می‌گیرد. این نهادها به عنوان مسیر نخستینی برای نوجوانان جهت اثرگذاری بر رفتارها همواره باقی می‌ماند. خانواده به عنوان کوچک‌ترین واحد

اجتماعی اساس تشکیل جامعه و حفظ روابط انسانی را بر عهده دارد. پیوندهای درون خانواده‌ها مکان‌هایی برای شکل‌گیری الگوهای رفتاری نوجوانان است که آنان را در بسیاری از تصمیمات رفتاری و روابط اجتماعی راهنمایی می‌کند. الگوهای رفتاری نهادها دربرگیرنده راه‌هایی برای مدیریت رفتار و حل تعارضات رفتاری است (رایت و فیتزپاتریک، ۲۰۰۶).

در بین بسیاری از صاحب‌نظران در این زمینه توافق کلی وجود دارد که نوجوانان بزهکار غالباً در معرض آن‌گونه از روابط اجتماعی قرار دارند که از ویژگی‌های آن، نبودن رابطه و پیوند نزدیک و صمیمانه بین پدر و فرزند و مادر و فرزند است که به تدریج کیفیت این رابطه در رفتار آنان نسبت به دیگران به‌ویژه بزرگسالان شکل کار و طرز ارتباط اعضای خانواده به‌گونه‌ای است که: اثر می‌گذارد (رایت و فیتزپاتریک، ۲۰۰۶).

محیط خانواده را برای تأمین احتیاجات اساسی کودکان مساعد می‌سازد. هرگونه نارسایی در عملکرد خانواده تأثیرات نامطلوبی در بهنجار نمودن فرزندان می‌گذارد (روزن باوم، ۱۳۶۷). از ترکیب کمیت و کیفیت روابط بین والدین و فرزندان سرمایه اجتماعی خانواده ایجاد می‌شود (آیسرل، ۲۰۰۱). کلمن از رابطه بین نوجوانان و والدینشان به‌عنوان شاخص‌های سرمایه اجتماعی خانواده یاد می‌کند. این سرمایه شامل میزان علاقه‌ای است که نوجوانان به والدینشان دارند و با آن‌ها صمیمی‌اند. به‌عبارتی دیگر، کیفیت ارتباط بین اعضای خانواده و به‌طور کلی میزان روابط بین والدین و فرزندان شاخص‌های سرمایه اجتماعی خانواده هستند (رایت و همکارانش، ۲۰۰۱).

ماهیت پیچیده مسائل اجتماعی ایجاب می‌کند تا در برخورد و شناخت مسائل اجتماعی، با تکمیل نظریات موجود و با اتکای به یافته‌های نوین،

دایره شناخت خود را گسترش دهیم. شناخت و درک درست از وضعیت روابط اجتماعی می‌تواند به ما درک بهتر علل بزهکاری نوجوانان یاری رساند. مک‌کارتی معتقد است، مفهوم سرمایه اجتماعی نگرشی را ارائه می‌دهد که باعث ایجاد دید عمیق‌تر و درک بهتر از علل جرم و بزهکاری می‌شود (سلمی و کیویوری، ۲۰۰۶). هرچند بررسی تأثیر روابط اجتماعی (سرمایه اجتماعی) بر روی مسائل اجتماعی موضوع تازه‌ای نیست، اما آزمون واقعی مفهوم سرمایه اجتماعی به‌عنوان یک سازه مفهومی، منجر به شکل‌گیری بینش‌های تازه‌ای در روابط اجتماعی و تأثیر این بینش‌ها بر زندگی افراد می‌شود. توسعه نظری این مفهوم ما را به‌سوی دانشی فراتر از دانش قبلی نسبت به روابط اجتماعی سوق می‌دهد (ساندفر و همکاران، ۲۰۰۵). از این‌رو مسئله اصلی این تحقیق این است که:

سرمایه اجتماعی خانواده بر جرائم و بزهکاری کودکان و نوجوانان چه نقشی دارد؟

و در نهایت، این پژوهش به دنبال پاسخگویی به سؤالات زیر است؛

۱. بعد ساختاری سرمایه اجتماعی خانواده بر جرائم و بزهکاری کودکان و نوجوانان در شهر اردبیل تأثیر معنی‌داری دارد.
۲. بعد شناختی سرمایه اجتماعی خانواده بر جرائم و بزهکاری کودکان و نوجوانان در شهر اردبیل تأثیر معنی‌داری دارد.
۳. بعد رابطه‌ای سرمایه اجتماعی خانواده بر جرائم و بزهکاری کودکان و نوجوانان در شهر اردبیل تأثیر معنی‌داری دارد.
۴. میزان پیش‌بینی جرائم و بزهکاری کودکان و نوجوانان بر اساس مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی به چه میزان است؟

سلمی و کیویوری^۱ (۲۰۰۶) در مقاله خویش تحت عنوان «همبستگی بین سرمایه اجتماعی و جرم جوانان (نقش شاخص‌های فردی و ساختاری)» با کنترل شاخص‌های سطح فردی و ساختاری سرمایه اجتماعی به بررسی رابطه این دو متغیر پرداخته‌اند. این تحقیق در یک نمونه ۵۱۴۲ نفر از نوجوانان ۱۶-۱۵ ساله انجام گرفته است. نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد، هنگامی که متغیرهای سطح فردی و ساختاری (مثل خودکنترلی) کنترل شده باشد، پایین بودن حمایت از سوی والدین، پایین بودن کنترل از سوی معلم و پایین بودن اعتماد بین اشخاص، با رفتار بزهکارانه همبستگی دارد. کنترل از سوی والدین، حمایت معلمان و پیوند بین نسلی با بزهکاری، تنها در مدل‌های دو متغیره همبستگی دارد. به نظر می‌رسد پیوندهای ضعیف والدین که باعث پیوند نوجوانان به بازار کار پاره وقت می‌شود او را در مقابل خطر بزهکاری حمایت نمی‌کند.

رایت و فیتزپاتریک^۲ (۲۰۰۶) مطالعه‌ای را تحت عنوان «سرمایه اجتماعی و رفتارهای خشونت‌آمیز» نوجوانان (همبستگی بین نزاع و استفاده از اسلحه در میان دانش آموزان مدرسه) انجام دادند که به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و رفتارهای خشونت‌آمیز نوجوانان در یک نمونه ملی از دانش آموزان دبیرستانی می‌پردازد (تعداد ۴۸۳۴ نفر). برای ارزیابی مدل‌های چند متغیره‌ای که رابطه خانواده، مدرسه و محله را با رفتارهای خشن بررسی می‌کند؛ از داده‌های مقطعی مربوط به مطالعات طولی ملی، درباره سلامت نوجوانان استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان‌دهنده اهمیت سرمایه اجتماعی به مثابه منبع مهمی است که پیامدهای خشونت و مخصوصاً روابط والدین - فرزندان و دل‌بستگی به مدرسه را تعدیل می‌کند. اگرچه فرض بر

^۱. Salmi & Kivivuori

^۲. Wright & Fitzpatrick

این است که ورزش بیشتر و حضور در باشگاه‌های ورزشی گرایش به سوی خشونت را کاهش می‌دهد، اما در این تحقیق نتایج چیز دیگری را نشان داده است. آلبوکردی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان نقش خانواده و گروه همسالان در تبیین بزهکاری نوجوانان به این نتیجه رسیدند که بیانگر توانایی متغیرهای ساختار خانواده و هم‌نشینی با همسالان بزهکار در پیش‌بینی بزهکاری نوجوانان بود. نظارت والدین نیز به واسطه پیش‌بینی هم‌نشینی با همسالان بزهکار از اهمیت قابل توجهی برخوردار است.

کشفی و اصائلو (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان پیشگیری انتظامی از بزهکاری کودکان و نوجوانان به این نتیجه رسیدند که توجه به محیط و تلاش در راه اصلاح آن که در امر پیشگیری مؤثر است باید از وظایف پلیس به شمار رود و سعی شود با همکاری سایر سازمان‌های دولتی و غیردولتی مؤثرترین نوع پیشگیری به کار رود و با توجه به شرایط موجود، جامعه مدیریت شود تا در وظایف خود موفق گردد.

مبانی نظری

کودکی و نوجوانی از دیدگاه جرم‌شناسی

از دیدگاه جرم‌شناسی طفل یا نوجوان بزهکار فردی است که شخصیت وی در حال شکل‌گیری بوده و در جریان اجتماعی شدن است. درحالی که شخصیت بزرگسالان قبلاً شکل گرفته و چندان درخور تحول نیست. از این دیدگاه سه گروه از کودکان ناسازگار مطرح می‌شوند: «کودکان بزهکار»، «کودکان منحرف» و «کودکان در معرض خطر» (نعمتی، ۱۳۸۲).

در کتب جرم‌شناسی بزهکار به مجرمانی اطلاق گردیده که کمتر از سن معینی هستند بین (۷ تا ۱۶ سال) و مرتکب عملی گردیده‌اند که اگر فرد بزرگ‌سالی نیز مرتکب همان عمل شده باشد مجرم شناخته می‌شود. همچنین مجرم جوان فردی است بین سن ۱۳، ۱۴ یا ۱۵ سال که مرتکب اعمال جدی و خشونت‌بار شده و مانند

یک بزرگسال تحت تعقیب قرار می‌گیرد (همان منبع). به عبارت دیگر کودک بزهکار فردی است که مجموعه قوانین کیفری را نقض کرده باشد. این قوانین ممکن است در مجموعه مقرراتی که بزرگسالان تدوین شده یا در مجموعه که برای صغار بزهکار تدوین شده است قرار گیرد؛ اما بزهکار در برخی موارد به فردی نسبت داده می‌شود که صرفاً مرتکب جرم نشده، بلکه به طور کلی فردی سرکش و ضداجتماعی است و مرتکب اعمالی می‌گردد که اگر بزرگسال مرتکب شود مجرم شناخته نمی‌شود. مثل فرار از خانه و مدرسه، تخریب اموال، سرکش و تمرد. بسیاری از نوجوانان ضد اجتماع هنگامی که به سن ۳۰ سالگی و بیشتر می‌رسند دیگر مرتکب بزه نمی‌شوند و زندگی سالم و طبیعی را ادامه می‌دهند (صلاحی، ۱۳۸۹).

در قواعد بین‌المللی نیز در این رابطه، گاهی لفظ کودک بزهکار و گاهی لفظ مجرم نوجوان مطرح شده است. در مقام تعریف، مجرم نوجوان را فردی می‌داند که قبل از رسیدن به سن ۱۸ سالگی مرتکب جرم شده باشد. به عبارت دیگر به جای لفظ کودک بزهکار، لفظ مجرم نوجوان به کار رفته است. ولی دیدگاه این اسناد نسبت به کودک بزهکار و ناسازگار یک دیدگاه افتراقی نسبت به بزرگسالان است و کودکان بزهکار را گاهی به عنوان مرتکب واقعی و گاهی به عنوان بزه دیده از جرم مورد بررسی قرار داده است و در اصل نوعی نگاه ملاطفت‌آمیز در مورد مندرج در اسناد بین‌المللی نسبت به کودک بزهکار وجود دارد که بیشتر جنبه‌ی پیشگیری و اصلاح و درمان این کودکان مدنظر بوده است تا جنبه مجازات و سرکوب آن (شاملو، ۱۳۹۰).

نظریه منازعه

در پاشنه نظریه برچسب‌زنی ظاهر می‌شود. نظریه‌های منازعه درحالی‌که از برخی جهات شبیه نظریه برچسب‌زنی است، بر سرشت سیاسی جرم متمرکز شده و ایجاد و به‌کارگیری حقوق جزا را مورد آزمون قرار می‌دهد. شاید

بدان خاطر که نظریه برچسب‌زنی از جهت‌گیری کمتری برخوردار بود، برای جرم‌شناسان محافظه‌کار نیز قابل قبول می‌نمود. نظریه‌های منازعه در داشتن مفروضه‌ای بنیادین مشترک‌اند: جوامع بیشتر به وسیله منازعه شکل گرفته‌اند تا به وسیله اجماع. این فرضیه، ملاحظه انواع مختلفی از نظریه‌های منازعه بر روی یک بردار امکان‌پذیر می‌سازد. در یک سوی این بردار، نسخه‌های کثرت‌گرا، چنین پیشنهاد می‌کنند که جامعه مرکب از هزاران گروه است که از نظر اندازه متفاوت‌اند و اغلب موقت می‌باشند و همگی برای رسیدن به منافع خویش در همه مسائل به مبارزه با یکدیگر می‌پردازند. در سوی دیگر بردار، نسخه‌های منازعه طبقاتی چنین استدلال می‌کنند که دو طبقه در جامعه حاضر هستند که هر دو برای تسلط بر جامعه تلاش می‌کنند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳).

نظریه گزینش عقلانی

نظریه گزینش عقلانی نوعی بازگشت به مکتب کلاسیک قدیم است، زیرا تمام ساختار قانونی دیدگاه کلاسیک بر پایه مفهوم انسان عقلانی و مسئولیت اعمال فردی بنا گردیده است. در چند سال گذشته این دیدگاه که بزهکاران خود قانون‌شکنی را برمی‌گزینند به عنوان رهیافتی نظری در زمینه بررسی و مهار بزهکاری اهمیت یافته است. بر اساس این دیدگاه افراد تنها به سوی فعالیت تبهکارانه رانده نمی‌شوند، بلکه فعالانه انجام این اعمال را انتخاب می‌کنند. تحقیقات نشان می‌دهد که بسیاری از اعمال تبهکارانه مخصوصاً در زمینه جرائم خرد مانند سرقت ساده، تصمیمات موقتی هستند مثلاً شخصی که می‌بیند در خانه‌ای باز است و کسی هم در خانه نیست از فرصت استفاده می‌کند. در حقیقت تعداد کمی از افراد مجرم حرفه‌ای هستند. به همین دلیل این نظریه‌پردازان معتقدند برای پیشگیری از جرم یا

بازدارندگی، باید رنج حاصل از مجازات بیشتر از منافع حاصل از رفتار غیرقانونی باشد؛ بنابراین اگر جوانان جرم را انتخاب می‌کنند در آن صورت رفتارشان را می‌توان با تهدید به مجازات تحت کنترل درآورد، مجازاتی که آن‌ها را چنان خواهد ترساند که رفتارهای متعارف را به‌جای رفتارهای مجرمانه برگزینند (معظمی، ۱۳۹۰).

دیدگاه مکتب اثباتی (تحقیقی)

این مکتب که انصافاً «مکتب جبرگرا» نامیده شد، هرگونه اختیار و اراده را برای انسان نفی می‌کند. در پی انتشار عقاید جامعه‌شناسی آگوست کنت فرانسوی مبنی بر اینکه انسان با درک خود و تحقیق در روابط و مناسبات می‌تواند به رابطه علی و معلولی یا علت اجتماعی وقایع پی ببرد، دانشمندانی مانند لومبروزو، فری و گاروفالو درصدد کشف علت بزهکاری برآمده، نظرات نوینی را در این راه ارائه نمودند که موجب پیدایش مکتب تحقیقی گردید. جبرگرایان این مکتب با نفی مختار بودن انسان به دنبال بحث علت‌شناسی جرائم رفتند. لومبروزو بر جبر زیستی تأکید داشت و برای عوامل شخصی و وراثتی در جرم‌زایی اهمیت زیادی قائل می‌شد، ولی فری به عوامل محیطی و اجتماعی تأکید کرد و آنگاه با امتزاج این دودسته عوامل معتقد شد که برای وقوع یک جرم، ترکیب دو گروه عوامل بزه‌زا اجتناب‌ناپذیر است: عوامل بزه‌زای داخلی که مربوط به ساختمان جسمی، روانی و به قول لومبروزو ویژگی قهقرایی (آتاویسم) مجرم بود و عوامل بزه‌زای خارجی که عوامل محیطی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را دربر می‌گرفت. مجموع این عوامل انسان را مجبور به ارتکاب جرم می‌نماید. سؤالی که در اینجا به ذهن متبادر می‌شود، این است که پس با نفی هرگونه اراده، اختیار و مسؤولیت اخلاقی توسط مکتب تحقیقی منشأ

کیفر از دیدگاه این مکتب چیست؟ پاسخ این است که مکتب تحقیقی نوعی مسؤولیت اجتماعی را جایگزین مسؤولیت اخلاقی می‌کند؛ بدین بیان که مجرم عنصر خطرناکی است و به تعبیر لومبروزو میکروبی است که اگر طرد نشود، سبب فساد می‌شود، لذا دارای نوعی مسؤولیت اجتماعی است. در همین راستاست که مسئله «حالت خطرناک و اقدامات تأمینی و تربیتی» (حتی قبل از ارتکاب جرم) توسط این مکتب مطرح گشت که تنها بر مجازات تأکید نمی‌کند (غفوری غروی، ۱۳۵۹).

نظریه بی‌هنجاری

«این نظریه که ریشه در نظریات امیل دورکیم، جامعه‌شناس فرانسوی دارد، به عوامل اصلی تضعیف معیارها و هنجارهای اجتماعی پرداخته و چنین مطرح می‌شود که سستی ارزش‌ها و هنجارها اجتماعی - فرهنگی موجب روی آوردن افراد به بزهکاری می‌شود. تحولات سریع صنعتی - اقتصادی و به تبع آن تغییرات سریع و گسترده اجتماعی مانند شهرنشینی، نوسازی، تضعیف باورها، ارزش‌ها و سنت‌های فرهنگی، مذهبی، ملی و موروثی، متزلزل شدن ساختارهای سنتی خانواده، همه موجب تغییر در هویت افراد شده و باعث می‌شوند تا رفتار سنتی آنان تغییر نماید. جالب توجه اینکه پیشرفت و گسترش شاخص‌های توسعه که خود گواهی بر تغییر جوامع سنتی هستند، رابطه مبتنی با میزان شیوع بزهکاری دارند. مثلاً به نظر می‌رسد در شهرها میزان بزهکاری بیش از روستاهاست (جاهد، ۱۳۸۶).

نظریه انزو اطلبی مرتون^۱

«رابرت مرتون بر این عقیده است که جامعه، فرد را به کج‌رفتاری مجبور می‌کند. به نظر او کج‌رفتاری حاصل فشارهای ساختاری - اجتماعی ویژه‌ای است که افراد را به رفتار انحرافی وامی‌دارد. جوامع صنعتی جدید بر توفیقات مادی در زندگی تأکید

^۱. merton, R.K

دارند که به شکل انباشت ثروت و تحصیلات علمی به عنوان مهم ترین اهداف زندگی شخصی و معیارهای منزلتی تجلی می کنند. دستیابی به این اهداف مقبول اجتماعی نیاز به ابزارهای مقبولی هم دارد که البته از دسترس جمعی از افراد جامعه خارج است، یعنی جامعه طوری ساخت یافته است که طبقات فرودست، فرصت های کمتری برای تحقق آرزوهای خود دارند. در نتیجه چون این اهداف به آرمان های اصلی زندگی همه افراد (فقیر و غنی) تبدیل شده آن کس هم که دسترسی به ابزار نامشروع ندارد، تحت فشار جامعه برای دستیابی به آنها از ابزار نامشروع استفاده می کند.

مرتون با تطبیق اهداف و وسایل دستیابی به آن، چهار نوع رفتار ناهمساز را دسته بندی می کند که عبارت اند از ابداع، رسم پرستی، واخوردگی و طغیان و سرکشی. وی با بررسی نوع شناسی صور انطباق و سازگاری فردی نشان می دهد که ممکن است آثار نظام یافته ای بر رفتار اجتماعی مترتب باشد که حاصل بر هم خوردن وحدت و انسجام جامعه است و آن نتیجه طرد اهداف یا نوع وسایل است که برای کسب موفقیت به کار رفته است.» (رایبنگتن و وواینبرگ، ۲۰۰۰).

کنش متقابل نمادین، برچسب زنی

«کنش متقابل نمادین یک رویکرد جامعه شناسی است که در دیدگاه هایی از قبیل برچسب زنی یا نظریه عکس العمل اجتماعی پدیدار می شود و فرض اصلی اش این است که مردم واقعیت هایشان را می سازند. طرفداران کنش متقابل نمادین، اظهار می کنند مقولاتی را که افراد برای تغییر جهان یا حتی تجربه خود به کار می برند با تعریف هایی که به طور اجتماعی حاصل شده اند سازمان می یابند، آنها استدلال می کنند که افراد در واکنش به پاداش ها و تأییدها به تدریج انتظارات گروه را درونی می کنند. این درونی کردن تعاریف اجتماعی به مردم اجازه می دهد تا رفتار خودشان

را از دیدگاه گروه ارزیابی کنند و در ادامه دیدی به فرد داده می‌شود تا خودش را به عنوان یک فرد اجتماعی دریابد.» (همان منبع).
«این عقیده که وقتی یک فرد از سوی دیگران در قالب خاص توصیف شود، در نتیجه فشار اجتماعی به تغییر ادراک از خویشتن و رفتار خود دست خواهد زد تا با این تعریف هماهنگ کرد، نخستین بار توسط اریکسون^۱ جرم‌شناس آمریکایی در سال (۱۹۶۲) در کتاب تأیید بزهکار مطرح گردید.» «همان‌گونه که کی اریکسون می‌گوید کج‌روی در هر رفتاری، ویژگی ذاتی نیست بلکه نوعی ویژگی است که توسط مردم به رفتاری که فرد به‌طور مستقیم با آن تماس دارد، نسبت داده می‌شود.» (همان منبع).

نظریه هم‌نشینی یا پیوند افتراقی ساترلند

نکته اساسی این نظریه، این است که افراد به این علت کج‌رفتار می‌شوند که تعداد ارتباط‌های انحرافی آنان بیش از رفتارهای غیر انحرافی‌شان است. این تفاوت تعامل افراد با کسانی که دیده‌های کج رفتارانه دارند نسبت به افرادی که از دیده‌های هم‌نوایانه برخوردارند علت اصلی کج‌رفتاری آن‌هاست.

«از جمله رویکردهای این نظریه عبارت است از:

۱. کج‌رفتاری یادگرفتنی است نه ارثی و نه محصول بهره‌هوشی پایین یا آسیب مغزی و امثال آن؛
۲. کج‌رفتاری در تعامل با دیگران آموخته می‌شود؛
۳. بخش اصلی یادگیری کج‌رفتاری در حلقه درون گروه روی می‌دهد و رسانه‌های جمعی و مطبوعات نقش دوم را ایفا می‌کنند؛
۴. یادگیری کج‌رفتاری شامل آموختن فنون خلاف‌کاری و سمت‌وسوی خاص انگیزه‌ها، کشش‌ها و گرایش‌ها می‌شود؛

^۱. kai Erikson

۵. سمت و سوی خاص انگیزه‌ها و کشش‌ها از تعریف‌های مخالف و موافق هنجارها یاد گرفته می‌شود...».

این نظریه یکی از مشهورترین نظریات تبیین جامعه‌شناختی بزهکاری است که در مباحث جامعه‌پذیری و یادگیری مطرح شده است به گونه‌ای که «افراد از طریق ارتباط با دیگران که حاصل هنجارهای تبهکارانه هستند بزهکار یا تبهکار می‌شوند.» نظریاتی که با توجه به ابعاد جامعه‌شناختی - جرم‌شناختی مسئله بزهکاری موارد را تحلیل کرده و سعی در تبیین و توجیه آن نموده‌اند بسیار متنوع‌اند. علاوه بر نظریاتی که ذکر نمودیم نظریاتی دیگری نیز من جمله، نظریه تعهد به رسوم، قواعد و تعلق اجتماعی نظریه کنترل اجتماعی، نظریه الگوی رشد اجتماعی، نظریه اختلال هنجاری، نظریه ناکامی منزلتی، نظریه فرصت‌های نابرابر و ... از سوی پژوهشگران و متخصصین ارائه شده است. بسیاری از پژوهشگران این عرصه یک نظریه از این نظریات را نظریه تام نمی‌دانند و مجموع این نظریات را در گرایش به بزهکاری و ناهنجاری‌های مؤثر می‌دانند. به گونه‌ای که در علل گرایش به بزهکاری، مجموعه‌ای از عوامل گوناگون را ذکر کرده‌اند که در مجموع حاصل جمع تمام نظریه‌های جامعه‌شناختی و جرم‌شناختی است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳).

روش‌شناسی پژوهش

الف) روش پژوهش: این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ روش انجام پژوهش، توصیفی - همبستگی از نوع پیمایشی است.

ب) جامعه آماری: جامعه آماری این پژوهش کلیه کودکان و نوجوانان بزهکار در کانون اصلاح و تربیت و همچنین کودکان و نوجوانان عادی شهر اردبیل می‌باشند.

ج) حجم نمونه و روش نمونه‌گیری: برای تعیین حجم نمونه نیز با استفاده از جدول مورگان تعداد ۲۰۰ نفر به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای از کودکان و نوجوانان

عادی و ۶۰ نفر نیز به روش در دسترس از کودکان و نوجوانان بزهکار در کانون اصلاح و تربیت انتخاب شدند.

د) ابزارهای اندازه‌گیری و جمع‌آوری داده‌ها: روش گردآوری اطلاعات میدانی با استفاده از پرسشنامه انجام شد. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه استاندارد سرمایه اجتماعی ۱۷ سؤالی سرمایه اجتماعی قوشال و ناهاپیت که سرمایه اجتماعی دارای سه بعد: ساختاری، بعد شناختی و بعد رابطه‌ای استفاده شد و بر اساس مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت (خیلی موافقم = ۵، موافقم = ۴، نظری ندارم = ۳، مخالفم = ۲ و خیلی مخالفم = ۱) ساخته شده است (معمارزاده، ۱۳۸۸) و همچنین پرسشنامه محقق ساخته ۴۰ سؤالی در مورد بزهکاری و نقش خانواده استفاده شد.

ه) روایی و پایایی: مقصود از روایی آن است که وسیله اندازه‌گیری، بتواند خصیصه و ویژگی موردنظر را اندازه بگیرد. برای تعیین اعتبار محتوایی، پرسشنامه به تعدادی از صاحب‌نظران و اساتید رشته حقوق و جامعه‌شناسی و علوم رفتاری داده شده و از آن‌ها در مورد سؤالات و ارزیابی فرضیه‌ها نظرخواهی گردید و روایی پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت و پایایی پرسشنامه با ضریب آلفای کرونباخ در این پژوهش برای متغیر وابسته و برای هریک از متغیرهای مستقل، محاسبه شد و آلفای همه آن‌ها بالاتر از ۰/۸۳ به دست آمد.

خ) روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: در این پژوهش برای استخراج اطلاعات و تجزیه و تحلیل آن‌ها از برنامه SPSS و آزمون‌های پارامتریک پیرسون و رگرسیون چند متغیره استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

جدول (۱) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب مقطع تحصیلی

مقطع تحصیلی	فراوانی	درصد
ابتدایی	۳۳	۱۲/۶۹
راهنمایی	۹۲	۳۵/۳۸
دبیرستان	۱۳۵	۵۱/۹۲
جمع	۲۶۰	۱۰۰

طبق نتایج جدول (۱) ۵۱/۹۲ درصد پاسخگویان با بیشترین فراوانی در مقطع تحصیلی دبیرستان و ۱۲/۶۹ درصد با کمترین فراوانی در مقطع تحصیلی دبیرستان هستند.

جدول (۲) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت اقتصادی خانواده

وضعیت اقتصادی خانواده	فراوانی			جمع
	بالا	متوسط	پایین	
گروه عادی	۴۷	۹۵	۵۸	۲۰۰
گروه بزهکاران	۴	۱۴	۴۲	۶۰
جمع	۵۱	۱۰۹	۱۰۰	۲۶۰

طبق نتایج جدول (۲) در گروه عادی وضعیت اقتصادی خانواده در حد متوسط با فراوانی ۹۵ در بیشترین مقدار و در گروه بزهکاران وضعیت اقتصادی خانواده در حد پایین با فراوانی ۴۲ در بیشترین است.

جدول (۳) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد
دختر	۶۵	۲۵
پسر	۱۹۵	۷۵
جمع	۲۶۰	۱۰۰

طبق نتایج جدول (۳) ۷۵ درصد پاسخگویان با بیشترین فراوانی جنسیت پسر و ۲۵ درصد با کمترین فراوانی دختر می‌باشند.

جدول (۴) آمار توصیفی متغیرهای ابعاد سرمایه اجتماعی خانواده

متغیر	تعداد گویه‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	واریانس
بعد ساختاری سرمایه اجتماعی	۵	۳.۳۸۷۹	۰.۸۹۵۲۶	۰.۸۰۱
بعد شناختی سرمایه اجتماعی	۷	۳.۳۳۳۷	۰.۵۳۶۱۵	۰.۲۸۷
بعد رابطه‌ای سرمایه اجتماعی	۵	۳.۹۶۰۶	۰.۵۵۱۱۳	۰.۳۰۴
بزهکاری و نقش خانواده	۴۰	۳.۵۴۲۱	۰.۶۳۲۱	۰.۴۲۱
کل پرسشنامه	۵۷	۳.۵۳۲۶	۰.۴۷۲۹۸	۰.۲۲۴

در جدول زیر شاخص‌های آماری از جمله میانگین، واریانس و انحراف معیار متغیرهای تحقیق ارائه می‌شود. همان‌طوری که از میانگین متغیرها پیداست پاسخ‌دهندگان در بیشتر متغیرها نظری نسبتاً نزدیک هم دارند.

جدول (۵) همبستگی پیرسون بین ابعاد سرمایه اجتماعی خانواده بر میزان جرائم و بزهکاری کودکان و نوجوانان

متغیر پیش‌بین		بعد ساختاری سرمایه اجتماعی		بعد شناختی سرمایه اجتماعی		بعد رابطه‌ای سرمایه اجتماعی	
متغیر ملاک		ضریب	معنی‌داری	ضریب	معنی‌داری	ضریب	معنی‌داری
میزان جرائم و بزهکاری		۰/۶۵۳	۰/۰۰۱	-۰/۲۴۷	۰/۰۲۳	-۰/۶۸۸	۰/۰۰۰
		سطح	معنی‌داری	سطح	معنی‌داری	سطح	معنی‌داری

به‌منظور بررسی رابطه بین ابعاد سرمایه اجتماعی خانواده و میزان جرائم و بزهکاری کودکان و نوجوانان در شهر اردبیل از روش آماری همبستگی پیرسون استفاده شد. با توجه به نتایج ارائه‌شده در جدول ۵ می‌توان نتیجه گرفت که فرض H_0 رد و

فرضیه تحقیق مبنی بر وجود رابطه بین ابعاد سرمایه اجتماعی خانواده (بعد ساختاری سرمایه اجتماعی، بعد شناختی سرمایه اجتماعی و بعد رابطه‌ای سرمایه اجتماعی) و جرائم و بزهکاری کودکان و نوجوانان تأیید می‌شود، چون ضریب همبستگی به دست آمده برای رابطه این مؤلفه‌ها به ترتیب برابر $0/65$ ، $-0/24$ و $0/68$ است و در سطح زیر $0/05$ قرار دارد که نشان‌دهنده رابطه مثبت و قوی بین این مؤلفه‌ها با جرائم و بزهکاری کودکان و نوجوانان است.

جدول (۶) ضرایب مسیرهای رگرسیونی و آزمون معناداری ضرایب بین ابعاد سرمایه اجتماعی خانواده بر میزان جرائم و بزهکاری کودکان و نوجوانان

.Sig	t	ضریب استاندارد Beta	ضرایب غیراستاندارد		مؤلفه‌ها
			انحراف معیار	B	
۰.۰۰۰	۵۴.۴۸۵		۰.۰۸۱	۴.۴۱۲	مقدار ثابت
۰.۰۰۰	-۷.۳۸۷	-۰.۵۸۵	۰.۰۶۸	-۰.۵۰۵	بعد ساختاری سرمایه اجتماعی
۰.۰۰۸	-۵.۹۱۶	-۰.۲۸۱	۰.۱۰۸	-۰.۲۰۷	بعد شناختی سرمایه اجتماعی
۰.۰۰۳	-۲.۹۵۶	-۰.۳۲۷	۰.۱۱۹	-۰.۲۳۴	بعد رابطه‌ای سرمایه اجتماعی

برای تعیین تأثیر هر یک از متغیرهای بعد ساختاری سرمایه اجتماعی، بعد شناختی سرمایه اجتماعی و بعد رابطه‌ای سرمایه اجتماعی به‌عنوان متغیر پیش‌بین و میزان جرائم و بزهکاری کودکان و نوجوانان به‌عنوان متغیر ملاک، با تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش ورود تحلیل شدند. همان‌طور که در جدول شماره (۶) مشاهده می‌شود میزان p مشاهده شده در همه متغیرها معنی‌دار است و نتایج نشان می‌دهد که متغیر بعد ساختاری سرمایه اجتماعی ($BETA = -0/58$)، بعد شناختی سرمایه اجتماعی ($BETA = -0/24$) و بعد رابطه‌ای سرمایه اجتماعی ($BETA = -0/28$) متغیر میزان جرائم و بزهکاری کودکان و نوجوانان را پیش‌بینی می‌کنند که متغیر بعد ساختاری سرمایه اجتماعی با بتای $0/58$ بیشتر از همه متغیرهای دیگر قرار دارد.

نتیجه گیری:

مسلماً، بزهکاری دفعاتی را که هیچ‌گاه یکسان نبوده‌اند ثبت کرده است اما این به معنی یک «سرنوشت» یا یک «بیماری غیرقابل علاج نیست که جامعه نتواند آن را درمان کند. علاوه بر این مسلم است که بزهکاری، تحت تمام اشکال خود چیزی غیر از نشانه‌ی آشکاری از یکی از آسیب‌های متعددی که جوامع کنونی از آن رنج می‌برند نیست؛ بحران بی‌هنجاری عواملی که کودکان و نوجوانان را به ارتکاب بزه سوق می‌دهند به اندازه کافی شناخته شده‌اند. به حدی که امکان آن به وجود آمده که راهبردی برای مبارزه با انحراف نوجوانان فراهم شود. واکنش‌های قضایی صورت گرفته در وهله اول نیازمند هر اصلاحی چه در سطح محتوی و چه در سطح شکلی می‌باشند. از این رو، جا دارد کنار اقدام‌های کیفی درباره کودکان و نوجوانان، اقدام‌های تربیتی هم پیش‌بینی شوند. همچنین، در سطح وسیع، تخصصی کردن دادرسی کودکان پس از دادرسی‌های به‌عمل آمده در دوران مراقبت کودکان بزهکار، ضروری است.

همواره مراقبت از کودکان و نوجوانان به دلیل ساختار جسمی و ذهنی حساس و شکننده‌ای که دارند مورد توجه مذاهب و ادیان مختلف جوامع بوده‌اند و در جهت رفاه و امنیت آنان فعالانه تلاش شده است و در این راستا، نسبت به آنان که به‌عنوان آینده‌سازان جامعه یاد می‌شوند. معمولاً اقدامات حمایتی انجام می‌شود. موضوع حقوق کودکان از موارد بحث‌انگیزی است که به‌ویژه در جوامع امروزی مطرح است. اعلامیه جهانی حقوق کودک مصوب مجمع عمومی سازمان ملل (۱۹۵۹ م.) در ۱۰ اصل و کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹ م.) نیز در ۵۴ ماده، نشانگر این رویکرد است. کودکان به لحاظ خصوصیات ویژه‌ای که دارند مانند صغر سن و به‌تبع آن عدم رشد کافی قوای عقلانی، سزاوار عنایت خاص و حمایت و مراقبت می‌باشند و در صورت نقص قوانین و مقررات حاکم نیز، مستحق توجه و حمایت

بیشتر هستند و می‌باید سیاست جنایی افتراقی و متفاوت از سیاست جنایی که بر بزرگسالان حاکم است برای کودکان و نوجوانان تدوین گردد. بحث بزهکاری و رسیدگی به جرائم کودکان و نیز نگهداری آنها، معمولاً از مباحث مهم و قابل بررسی در جرم‌شناسی و سایر علوم مرتبط با انسان‌ها است. نظریات و دیدگاه‌های مختلف حکایت از اهمیت موضوع دارد، نقطه مشترک این دیدگاه‌ها توجه ویژه به کودکان و نوجوانان است و اصولاً با توجه به شرایط سنی آنان قوانین و مقررات خاصی وضع شده است. هدف پژوهش حاضر بررسی نقش سرمایه اجتماعی خانواده بر میزان جرائم و بزهکاری کودکان و نوجوانان (مطالعه موردی شهر اردبیل) است با توجه به نتایج به دست آمده در این تحقیق به این نتیجه می‌رسیم که در این موضوع که اگر زمینه‌های لازم برای نوجوانان و جوانان در خانواده و بیرون از آن برای آنها مهیا باشد و والدین میزان صمیمیت خود را با فرزندان خود را بیشتر کنند احتمالاً میزان جرم آنها نیز کمتر خواهد شد. با توجه به نتایج ارائه شده متغیر بعد ساختاری سرمایه اجتماعی ($BETA = -0/58$)، بعد شناختی سرمایه اجتماعی ($BETA = -0/24$) و بعد رابطه‌ای سرمایه اجتماعی ($BETA = -0/24$) متغیر میزان جرائم و بزهکاری کودکان و نوجوانان را پیش‌بینی می‌کنند که متغیر بعد ساختاری سرمایه اجتماعی با بتای $0/58$ بیشتر از همه متغیرهای دیگر قرار دارد. بنا به نتایج به دست آمده پیشنهادها زیر ارائه می‌گردد.

۱. ایجاد اشتغال برای حداقل یکی از افراد خانواده‌های فقیر برای پیشگیری از احتیاج خانواده به درآمد کودک و جلوگیری از بزهکاری فرزندان و آثار مخرب آن.
۲. لازم است که والدین در مورد اهمیت وجود محیطی مثبت و سالم در خانه و تلاش برای ایجاد آن آموزش داده شود.
۳. ارائه امکانات مربوط به تحمیل و آموزش با هزینه کم برای کودکان اقشار محروم.

۴. مشارکت دادن کودکان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خود، آموزش مهارت‌های زندگی و نیز فعالیت‌های مدنی.
۵. پذیرش واقع‌بینانه کودکان بزهکار و مشکلات آن.
۶. همچنین تصویب قوانینی که در زمینه‌ی اصلاح بزهکاری کودکان باشد نه در زمینه‌ی مجازات این کودکان، راهگشای بسیاری از مشکلات خواهد بود.
۷. در رویکرد اجتماعی، اصلاحاتی در زمینه‌ی ساختار اجتماعی انجام شود تا کودکان به گونه‌ای اجتماعی شوند که از هنجارها و ارزش‌های جامعه پیروی کرده و به سوی انحرافات اجتماعی کشیده نشوند.

فهرست منابع:

- آلبوکردی، سجاده؛ نظری، علی‌محمد؛ نوری، ربابه (۱۳۹۰)، نقش خانواده و گروه همسالان در تبیین بزهکاری نوجوانان، مجله تحقیقات علوم پزشکی زاهدان، سال سوم، شماره ۱۴، صص ۲۰-۳۴.
- جاهد، محمدعلی (۱۳۸۶)، جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل.
- رابینگتن، اول؛ واینبرگ، مارتین (۲۰۰۰)، رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی، ترجمه رحمت‌الله صدیق سروستانی. (۱۳۸۶)، تهران، دانشگاه تهران.
- شاسیاتی، هوشنگ (۱۳۸۹)، بزهکاری اطفال و نوجوانان، انتشارات مجد.
- شاملو، باقر (۱۳۹۰)، عدالت کیفری و اطفال (شخصیت، طفل، بزهکاری، دادرسی، پاسخ‌ها). چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۳)، آسیب‌شناسی اجتماعی، نشر نی، تهران.
- صلاحی، جاوید (۱۳۸۹)، بزهکاری اطفال و نوجوانان، انتشارات نشر میزان، چاپ هشتم.
- غفورری غروری، حسن (۱۳۵۹). انگیزه شناسی جنایی، نشر دانشگاه ملی.

- کشفی، سعید؛ اصانلو، علی (۱۳۹۰)، پیشگیری انتظامی از بزهکاری کودکان و نوجوانان، مجله پیشگیری انتظامی از بزهکاری اطفال و نوجوانان، سال پنجم، شماره ۱۵، صص ۱۱۲-۱۳۰.
- معظمی، شهلا (۱۳۹۰)، بزهکاری کودکان و نوجوانان، انتشارات دادگستر، چاپ پنجم.
- معمارزاده، غلامرضا؛ عطایی، محمد؛ اکبری، احمد (۱۳۸۸)، بررسی نقش سرمایه اجتماعی بر بهبود عملکرد کارکنان؛ مجله مدیریت توسعه و تحول، سال سوم، شماره ۱۵، صص ۹-۱۵.
- نعمتی، لیلا (۱۳۸۲)، مسئولیت کیفری و اطفال از دیدگاه مکاتب مختلف، ندایی صادق، شماره ۳۲.
- نیاز پور، امیرحسین (۱۳۸۹)، پاسخ‌های عدالت کیفری ایران به بزهکاری اطفال، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال سوم، شماره چهاردهم، صص ۵۵-۷۷.
- Israel, G. D.; Beaulieu, Lionel J.; Hartless, Glen. (2001) "The Influence of Family and Community Social Capital on Educational Achievement", Rural Sociological Society, 66(1): 43-68.
- Salmi, Venla; Kivivuori, Janne (2006) «The Association between Social Capital and Juvenile Crime», European Society of Criminology, Vol. 3 (2): 123-148.
- Sandefur, Gary; Meier, Ann; Hernandez, Pedro (1999) "Families, Social Capital and Educational Continuation" University of Wisconsin-Madison CDE, Working Paper, 19-99.
- Wright, Darlene R.; Fitzpatrick, Kevin M. (2006) «Social Capital and Adolescent Violent Behavior», Social Forces, 84, 1435-1453
- Wright, John; Cullen, Paul; Francis T.; Miller, Jeremy (2001) «Family Social Capital and Delinquent Involvement», Journal of Criminal Justice, 29:1-9.